



خداوند متعال در عرصه‌ی امتحان برای رشد می‌فرماید که «نقص» در اموال و ثمرات و ... قرار می‌دهم؛ یعنی چه؟ یعنی کمال بیشتری نمی‌دهم. پس هستی؛ یعنی کمال و هستی خیر است و خدا هر چه بیافریند و هر چه راهستی دهد، خیر است. از این رو فرمود: «خیرها از خدا و بدی‌ها از خودتان است.»؛ یعنی کمال را او متجلی و پدیدار می‌کند؛ اما نقص، ضعف، نیستی و کاستی از ناحیه‌ی شماست.

از این رو، «خدا بد ندهد»، لفظ غلطی است. هر گاه کسی می‌گوید: «خدا بد ندهد»، بنده، خودم به مزاح و قصد جدی، عرض می‌کنم: «خدا بد نمی‌دهد، شما بد نگیرید»

اگر بخواهید خیلی ریز شوید، این لفظ بدگمانی (سو ظن) و تهمت به خداست. در راستای همان کبر (هر چند ضعیف) است که انسان موفقیت‌ها را از خودش می‌داند؛ اما ضعف‌ها، کاستی‌ها، بدها و شرها را به خدا نسبت می‌دهد؛ و به تبع آن به جای آن که «هستی و کمال» را دعا و طلب کند؛ مثلاً بگوید: «خدا شفا بدهد، خدا سلامتی بدهد، خدا راحتی بدهد، خدا گشایش بدهد و ... می‌گوید: «خدا بد ندهد؟!» اگر کمی تأمل کنیم، متوجه می‌شویم که (خدا بد ندهد) انصافاً خیلی بی‌انصافی است و استغفار می‌خواهد.

آیا وقتی برای کسی اتفاق بدی می‌افتد یا مثلاً مریض می‌شود، به او بگویند: «خدا بد ندهد»، صحیح است؟

پاسخ:

به نظر صحیح نمی‌آید، چرا که این نوعی سوء ظن و بدگمانی به خداست که مبتنی بر ضعف شناخت توحیدی است، هر چند که ممکن است این لفظ (مثل فرهنگ ما) عادت شده باشد.

خداوند متعال، هستی و کمال محض است. هستی و کمال محض، خیر محض است و از خیر محض نیز «بد» صادر نمی‌شود.

بی‌تردید هر چه از خدا صادر شود (به امر او حادث و محقق گردد)، «هستی» پیدا می‌کند، یا به تعبیر «پدیدار» می‌شود؛ حال کمی توجه کنیم که آن چه بد یا شر می‌نامیم چیست؟

به عنوان مثال: جهل، زشتی، فقر، بیماری، ناامنی و ... را بد یا شر می‌دانیم؛ اگر خوب دقت کنیم همه‌ی اینها «نیستی» هستند، نه هستی و کمال.

زشتی؛ یعنی نبود زیبایی، ضعف؛ یعنی نبود قوت یا قدرت، بیماری؛ یعنی نبود سلامتی، فقر؛ یعنی نبود غنا، ناامنی؛ یعنی نبود امنیت. «نبود» یا «عدم» یعنی چه؟ یعنی «پیدایش» نیافته است. نه این که بگوییم خدا داده است.

